

بهره‌کشی پنهان از نیروی کار در صنایع غذایی



اریک لومیس

ترجمه: آناهیتا اردوان

تحقیقات آکادمیک

"بهره کشی پنهان از نیروی کار در صنایع غذایی" نظر به استمرار و گستردگی اعتراضات کارگران صنایع غذایی آمریکا، "جنبش پانزده دلار"، و اهمیت فرایند تولید غذا در پدیده جهانی سازی سرمایه، برای مطالعه علاقه مندان و کنشگران جنبش کارگری از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است."

هنگامی که پیرامون اقتصاد جهانی به تحقیق و تدقیق می پردازیم، به ندرت در خصوص مواد غذایی می اندیشیم. این، در حالی است که سیستم غذایی بسبب تحرک و پویایی سرمایه و چارچوب تسهیل گردش آن در روند جهانی سازی سرمایه بطور سهمناکی تغییر شکل داده است. از اینرو، چگونگی تولید مواد غذایی از نظر مکان و شیوه توزیع و تاثیرات زیست محیطی در جهان، دیگرگون شده است. پیمانها و معاهده هایی شبیه قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) به کشاورزان آمریکایی اجازه می دهد که تولیدات فاسد و ناپاکشان را روانه بازار مکزیک نمایند. بنابراین، حیوانات در بازارهای مکزیک با غله های بیمار آمریکایی تغذیه و پرورش می یابند. سیستم تولید مواد غذایی سراسر آمریکای جنوبی بواسطه قرارداد مذکور، بطور کلی متحول و متفاوت گشته است. دامداران مکزیکی در حوزه پرورش خوک به علت سقوط قیمت گوشت، شغلشان را رها کرده اند. کشور مکزیک به ترتیب در سالهای ۱۹۹۵ و ۲۰۱۰، ۳۰۰۰۰ و ۸۱۱۰۰۰ تن گوشت خوک از آمریکا وارد ساخته است. دامداران پرورش خوک برای امرار معاش مجبور به ترک مزارعشان گشته اند، برخی به آمریکای شمالی مهاجرت کردند و به کارگران

غیرقانونی و بدون کارت شناسایی معتبر، مبدل گشتند. گروهی از این کارگران، در شرکت گوشت "اسمیت فیلد" واقع در شمال کالیفرنیا، کار می‌کنند. در حقیقت، شرکت "اسمیت فیلد" از نیروی کار مهاجران غیرقانونی برای تخریب اتحادیه‌ها و اعتراضات کارگران، بهره می‌برد. "اسمیت فیلد" هنگامی که برخی از کارگران مهاجر مکزیکی به اتحادیه‌ها پیوستند زمینه‌های اخراج تعداد بی شماری را به بهانه نقض قوانین مهاجرت و تابعیت آمریکا، فراهم ساخت. یک بامداد، بیش از ۲۱ کارگر به دفتر سرپرستان و مدیران فراخوانده شدند، دستگیر، زندانی و بابت استفاده از کارت شناسایی ساختگی، از آمریکا اخراج گشتند. صدها کارگر در هراس از اخراج به شهرهای دیگر گریختند. البته، پرداخت تاوان استخدام کارگران غیرمجاز برای مدیران "اسمیت فیلد" ارزش انتفاع از محیط کاری بدون اتحادیه را دارد. منتها، چنین کارکردهایی بطور مقطعی برای شرکت‌هایی نظیر "اسمیت فیلد" تاثیر برعکس به‌مراه دارد. زیرا، مدیران شرکت‌ها بایستی کارگران سیاه پوست تحت حمایت اتحادیه‌ها، اتحادیه جهانی مواد غذایی کارگران و بزرگترین اتحادیه ملی کارگری آمریکایی را جایگزین کارگران مکزیکی، می‌کردند. شرکت‌های مانند "اسمیت فیلد" عموماً از ترفندها و راهبردهای مکارانه گوناگونی جهت نیل به مقصودشان، بهره‌برداری می‌نمایند. بعنوان مثال، یکی از کشتارگاه‌های ایالت آیوا پس از سال ۲۰۰۸ و قوت یافتن بزرگترین اتحادیه ملی، با تمسک به راهکار مشابه "اسمیت فیلد"؛ "تمتع از قوانین مهاجرتی و تابعیت"، در راستای امحاء سازماندهی کارگران زمینه‌بازداشت و کنارگزاری ۳۸۹ نفر از ۹۷۰ اعضای اتحادیه‌ها را مهیا ساخت. در این زمان، فعالیت بزرگترین اتحادیه ملی کارگران صنعت مواد غذایی آمریکا کاهش و سرانجام، از حرکت

بازایستاد. بسیاری از کارگران مکزیکی از شهر "وراکروز" واقع در ساحل خلیج برای امرار معاش و ادامه زندگی به شمال کالیفرنیا، مهاجرت کردند. کارگرانی که به مهاجرت تن ندادند نیز راهی بغیر از ایستادگی برابر سیاستهای مخرب "اسمیت فیلد"، نداشتند. قرارداد نفتا، خصوصی سازی زمین را تسهیل کرد و سبک و شیوه تجارت و کشاورزی سرمایه داران آمریکایی را در مکزیک نهادینه و رسمی ساخت. بدین وسیله، "اسمیت فیلد" و شرکتهای دیگر، با احداث موسسات پردازش خوک در "وراکروز" رفتاری مشابه، بی اندازه ناپسند و ناشایست نظیر آنچه با کارگانشان در شمال ایالت کالیفرنیا داشتند، با شهروندان وراکروز، در دستور کار قرار دادند. شرکت نامبرده به دفن خوک و گاوهای مرده در گودالهای کم عمق مبادرت ورزید که پس از تجزیه و تحلیل موجب آلودگی منابع آب آشامیدنی اهالی منطقه، گشت. این واقعه، خشم شهروندان مکزیکی را برانگیخت و سرآغاز اعتراضات سازمان یافته و وسیعی را رقم زد. شهروندان وراکروز با استمرار و سماجت، بر توقف فعالیت و در فرجام، برچیدن بساط شرکت "اسمیت فیلد"، کامروا و فائق آمدند. حقایق بسیاری پیرامون نقش پدیده جهانی سازی سرمایه در فرایند تولید مواد غذایی با رویدادهایی مزبور، تبیین و برملا می گردد. صنعت مواد غذایی نیز بمانند دیگر صنایع از منابع برون مرزی به دلایل گوناگون از جمله، استثمار کارگران، ملوث کردن اعتراضات آنان و نیست و نابود ساختن اتحادیه ها، بهره می برند. شرکتهای مواد غذایی بیشتر در مناطقی شبیه کالیفرنیا شمالی و ایالتهایی که سیاستمداران پاسدار قوانین و قواعدی که بازدارنده دخالت شهروندان، در سبک و سیاق تولید و توزیع مواد غذایی و هر گونه خرده گیری به تبعات مضر آن، هستند، فعالیت می کنند. مراکز و

شرکتهای مواد غذایی در صورتیکه قواعد و آیین نامهها در ایالتی از کشور آمریکا به گونه ای منافعشان را بخطر اندازد، به نواحی دیگر نقل مکان می کنند. به هر رو، قراردادهایی نظیر نفتا مرزهای مکزیک را به روی تاجران آمریکایی گشود. رقابت گلو پاره کن مابین سرمایه داران ایالت با ایالت، ملت با ملت، کشور با کشور و... بر اساس و بنیان بهره کشی نژادی- طبقاتی و بهره برداری از نیروی کار و ویرانسازی محیط زیست کماکان ادامه و با رشد فزاینده ای روبروست. شرکتهای مواد غذایی تا جایی که به هدف و مقصودشان دست یابند اهمیتی برای مرزهای ملی قائل نیستند. بسیاری از شهروندان دقیقاً نمی دانند مواد خوراکی که تغذیه می کنند از کجا می آید، خواه کشتارگاه در شمال کالیفرنیا مستقر باشد یا وراکروز! سود و انباشت سرمایه برای تاجران صنعت غذایی نسبت به محل و مکان، ارجحیت دارد. به دیگر سخن، محل و مکان سوداگری دارای اهمیت و ارزش نیست. آنان می توانند از مکانی به مکان دیگری که قواعد و ضوابط زیست محیطی و اتحادیه ها و سازمانهای مدافع حقوق کارگران ضعیف هستند، جابجا شوند. "تیموتی پچیرات" یکی از کارگران کشتارگاه "نبرسکا" در این رابطه بدرستی می نویسد: " مسافت و پنهان کاری نیروی محرکه سازوکار نظام سرمایه داری مدرن است."

رفتار و کردار شرکتها نسبت به کارگران، حیوانات و محیط زیست با پیشگیری از مداخله شهروندان در فرایند تولید مواد غذایی در خفا باقی می ماند. خط مشی سیاستمداران و دولتمداران نیز از عملکرد ناشایست و ناپسند صاحبان شرکتها و موسسات مواد غذایی، حمایت می کند. امروزه ممکن است مشتریان غذای ارگانیک مصرف کنند. اما، این هرگز به این معنا

نیست که مواد خوراکی طبیعی بطور عادلانه در جامعه تقسیم و توزیع می گردد یا غذایی که شهروندان در رستوران مصرف می کنند به شکل صحیحی پرورش و قصابی و بطور کلی انسانی تهیه گردیده است. آگاهی بخشی و برملا سازی گرداگرد فرایند چگونگی تولید، آماده سازی و توزیع فراورده های غذایی بی گمان به قوت، استحکام و گستردگی کارزار جهانی حراست، اعانت و حمایت از حقوق و خواستهای زحمتکشان و محیط زیست، منجر می گردد. از اینرو، بالندگی، نضج و گسترش آگاهی همگانی از شرایط کارگران، راه و روش، سبک و اسلوب تولید، هنجار شکنی و بدرفتاری نسبت به حیوانات و محیط زیست، پیامدهای دهشتناکی برای سامانه سرمایه داری و مدیران و صاحبان شرکتهاست، به همراه دارد. یک رشته قوانین در حمایت از پنهان کاری شرکتهای گوشت و تولید مواد خوراکی معروف به قوانین "آگ- گانگ" در برخی ایالتها؛ "یوتا"، "میزوری" و "آیووا"، تصویب شده است که هرگونه افشاء گری در رابطه با فعالیت در مزارع را غیرقانونی و جرم بحساب می آورد. در فوریه سال ۲۰۱۴، "آیداهو" نیز با تصویب قوانین مزبور به صف مناطق نامبرده پیوست. بر طبق این قوانین، هر کارگر و کارمندی که بدون اجازه مدیر شرکتهای به ضبط رویدادها و فعالیتهای روزمره تولید مواد غذایی بپردازد، مجرم شناخته می شود. مضاف بر این، افرادی که با شیوه و طریقه مدیران شرکتهای، هنجارشکنی، بدرفتاری و استثمار کارگران مخالفت کنند، هرگز استخدام نمی شوند و کارگران مشمول این قوانین، از کارشان اخراج می گردند. متخلفان به یک سال زندان و پرداخت ۵۰۰۰ دلار جریمه نقدی، وادار و ملزم خواهند گشت. قوانینی از این دست مطامع و منافع شرکتهای مواد غذایی و بخصوص شرکتهای تولید گوشت را حمایت و تامین

می کنند. بعنوان نمونه، کنشگران محیط زیست و حیوانات در پی افشاء یک فیلم ویدئویی مبین بدرفتاری، شکنجه فیزیکی و تجاوز جنسی به احشام (گاو و گوساله ها)، در کشتارگاهی واقع در ایالت آیداهو کوشیدند تا قانون اساسی و ایالتی آمریکا را بچالش بکشند. اما، چنین تحولی با توجه به پیچیدگی و بغرنجی سازوکارهای معاملات شرکت‌های مواد خوراکی، پنهانکاری و قوانین پشتیبان مصالح آنان، بسیار دشوار است.

مواد غذایی بخصوص "گوشت" تا پیش از جنگ داخلی در آمریکا بصورت محلی و ملی در آمریکا، تولید می گردید. مصرف کنندگان به فراورده های گوشتی که بیرون از آمریکا قصابی می شدند، اعتمادی نداشتند و تنها محصولات قلبی نظیر شکر و قهوه و قند از خارج از آمریکا بدست مصرف کنندگان می رسید. اغلب محصولات توسط خود دامداران و کشاورزان آمریکایی بصورت منطقه ای و محلی، پرورش می یافتند و این روند تا قرن نوزدهم، ادامه داشت. شهروندان حین خرید از فروشندگان و قصابی ها بخوبی از تمامی مراحل تولید؛ تدارکات و آماده سازی تا تکمیل مواد غذایی، آگاهی داشتند. شهرهای بزرگ مانند "بوستن" و "نیویورک" نیز از کشتارگاه های حامل گوشت تازه، برخوردار بودند. تولید مواد غذایی بشکل محلی بواسطه بسط شهرهای آمریکا پس از سال ۱۸۸۰، سختتر گردید. شهری با جمعیت نزدیک به یک میلیون دیگر بسادگی نمی توانست تنها به پرورش محصولات غذایی و گوشت محدوده خود، بسنده کند. مواد غذایی و گوشت با ظهور یخچالهای متحرک در دهه ۸۰ به یکی از بخشهای مهم صنعت کشور، مبدل گشت و نقش سترگی در گسستگی فراورده های خوراکی از روند زندگانی شهروندان، بازی کرد. تکنیک و فن آوری یخچالهای متحرک باعث شد تا

فراورده های گوشتی منجمد و بسته بندی شده بسهولت و بدون ضایعه ای به مناطق دور و گوناگون کشور، ارسال کردند. شرکتها با کاهش قیمت گوشت بر اضطراب و دلواپسی همگانی درباره افت کیفی، چیره گشتند. البته، خسارت کاهش قیمت را نیز با تعطیلی- ورشکست کردن قصابی های محلی به مثابه رقبا، کوچک و گشایش بازارهای بزرگ، ترمیم و جبران نمودند. میلیونها گاو بدون هیچ راز و نیازی برای سلاخی روانه کشتارگاه های عظیم بویژه در شیکاگو می گشتند تا به فراورده های گوشتی متعددی، تبدیل گردند. سپس، در بسته های منجمد با قطار به بازارهای بزرگ در سراسر کشور برای عرضه به مصرف کنندگان گسیل کردند. بدین ترتیب، گوشت در اوایل قرن بیستم دیگر از یک گاو، گوساله یا مرغ، نبود. بلکه، از بسته هایی یخ زده ای بود که توسط شهروندان از مغازه های محلی می خریدند. آمریکایی ها به مرور زمان به گوشت یخ زده و کنسروی عادت کردند و پنداشتند؛ "گوشت خوبی است". این پنداشت معمولاً اشتباه و نادرست است. بخش بسته بندی گوشت در شیکاگو به شیوه بسیار خانمانه ایی شکل و فرم گرفت و به محلی جذاب برای توریستها مبدل گشت. اما، همانطور که "آپتون سینکلیر" در داستان معروف سال ۱۹۰۶، "جنگل" شرح می دهد، "این کارخانه ها محیط کاری بسیار سبعمانه و محصولات خوراکی آلوده و نامطبوعی پدید آوردند. کارگران کشتارگاه ها در دمای بسیار پایین بر زمینهایی غرق در نمک و خون در محدوده ای آکنده از چنگک و چاقو که اعضای بدن و زندگی اشان را هرآن تهدید می کرد بمدت طولانی سرپا، کار می کردند."

سال ۱۸۹۰، برای بهبود و تنظیف محیط کارشان برای برپایی اتحادیه های کارگری بشدت، تلاش کردند. اما، تنها پس از پی ریزی نخستین کمیته

همبستگی کارگران کارخانجات بسته بندی آمریکا، "یو پی دبلیو ای" سال ۱۹۳۷، به حصول مطالبات چشمگیری در رابطه با دستمزد و محیط کار، نائل آمدند. مبارزات سازمان یافته کارگران نقش بسیار برجسته ای در حوزه مواد غذایی آمریکا پس از سال ۱۹۳۰، بازی کرد. کارگران متحد کارخانجات گوشت در سال ۱۹۶۰، ۲۸ درصد افزونتر از کارگران کارخانجات کالاهای فاسد شدنی، دستمزد دریافت می کردند. دریافت دستمزد بهتر بواسطه مبارزه و تکوین اتحادیه های کارگران کارخانجات بسته بندی گوشت پدیده مقبول و مطلوبی برای مجموعه عریض و طویل؛ کارخانجات ترابری، مغازه های زنجیره ای خواربارفروشی و حزب جمهوریخواه، به همراه نداشت. اتحادیه های کارگران کارخانجات بسته بندی گوشت در سال ۱۹۵۵ با اخذ یک قرارداد، مبلغی برابر با ۵۰ میلیون دلار را به جیب کارگران بازگرداندند. این قرارداد و پیروزی کارگران موجب آشفتگی خاطر و خشم مدیران و مسوولان دولت آیزنهاور گشت. وزیر کشاورزی و دستیار وقت، "تافت بنسون" و "ایرال باتس"، خواستار افزایش سود کشاورزی و پرورش حیوانات و .. بدون افزایش هزینه های مصرف کنندگان بودند. از این حیث، با جابجایی کارخانجات تولید گوشت به حاشیه شهرها، مناطق فاقد اتحادیه های کارگری و در نزدیکی مکان پرورش حیوانات (گاو و خوک) به تهدید و تخریب اتحادیه ها، له کردن دستاوردهای مبارزات و کاستن دستمزدهای کارگران، واکنش نشان دادند. صاحبان کارخانجات تازه بدوران رسیده با حمایت مغازه های زنجیره ای خواربار فروشی و کارخانجات ترابری و بهره برداری از کامیونهای مجهز به سیستم خنک کننده، توانستند فرایند آماده سازی محصولات گوشتی را به نواحی روستایی فاقد اتحادیه، انتقال دهند. بدین ترتیب، برهمکنش کارخانجات

بزرگ و اتحادیه های شیکاگو مورد ضربه قرار گرفت. شرکتهای جدید واقع در مناطق روستایی با کارگران بسیار ظالمانه رفتار می کردند. شرکت گوشت گاو ایالت آیووا "ای بی پی" که امروزه بخشی از شرکت مواد غذایی "تایسون" می باشد، به عمده ترین کارخانه بسته بندی گوشت در سال ۱۹۶۰، مبدل گشت. "ای بی پی"، کلیه روستاهای غرب میانه آمریکا را با تاسیس شرکتهای بدون اتحادیه، پوشش داد. سال ۱۹۶۹، کارگران "ای بی پی" در شهر داکوتا، اعتصاب کردند. صاحبان "ای بی پی" لمپنها را جایگزین کارگران فعال کردند. اعتصاب کارگران به خشونت گرایید و یک نفر در درگیری جان خود را از دست داد. "ای بی پی" با استخدام اعضای مافیا (سازمان تروریستی مخفی) در اعتصاب قصابهای نیویورک نقب زد و آنرا به بیراهه و سرانجام شکست داد. قصابهای مزبور از فروش گوشت به "ای بی پی" امتناع می ورزیدند. اعتصابهای کارگری یکی پس از دیگری با توطئه و ترفند صاحبان شرکتهای جدید، شکسته شد. میزان دستمزد کارگران "ای بی پی" سریعاً به کمتر از پنجاه درصد اجرت همکارانشان در شیکاگو رسید. شرکت بسته بندی غذای شیکاگو توان رقابت را از دست داد و تعطیل گشت و بیش از دوازده هزار کارگر بیکار گشتند. کمیته همبستگی کارگران کارخانجات بسته بندی آمریکا، بواسطه راهبردهای ضد اتحادیه ایی "ای بی پی" بسیار تحلیل و ناتوان و در سال ۱۹۷۹ به همبستگی کارگران مواد غذایی و تبلیغاتی "یو اف سی دبلیو" تغییر نام، کرد. یقیناً، استخوان بندی صنعت مواد غذایی نوین؛ دستمزدهای اندک و محیط نامناسب کاری، باعث کسب و انباشت سود افزونتری برای صاحبان سرمایه و زمین گشت. مصرف کنندگان که میان صاحبان ثروت و کارگران قرار می گرفتند، هرگز نیروهای اصلی تولید کننده

را نمی دیدند. صاحبان شرکتها خواستار تولید هر چه بیشتر و بنابراین استثمار بی حد و حصر نیروی کار، بودند. این، پیامدی بجز فلاکت، فرسودگی، خستگی شدید، جراحتهای مکرر و آسیبهای جبران ناپذیر در حین کار برای کارگران به همراه نداشت. در همین رابطه، یکی از مدیران "ای بی پی" میانگین سود خالص سالانه برابر با نود و شش درصد را، "پایین"، ارزیابی می کند. چنین بازیافتی مبین عدم پاسداشت شان و منزلت نیروی کار و امکانات محدودی می باشد که کارفرمایان برای گردش چرخه خط تولید، در نظر می گرفتند. کارفرمایان خواستار محیطی بدون اتحادیه بودند، اما این خواست کارگران روستایی نبود. سال ۱۹۸۰، "یو اف سی دبلیو" به سازماندهی کارگران کارخانجات مرغ و خروس ناحیه های جنوبی آمریکا، توفیق یافت. اکثریت نیروی کار سیاه پوست به رغم عواقب خطرناک به سازماندهی مبارزه بمنظور بهبود شرایط کار و افزایش دستمزدهایشان، اقدام ورزیدند.

صاحبان کارخانجات نیز با بستن شرکتها و گشایش مراکز جدید بدون اتحادیه، اعلام ورشکستگی یا استخدام کارگران مهاجر غیرمجاز از مکزیکی و آفریقایی مرکزی، به فعلیت یافتگی کارگران، واکنش نشان دادند. تحقیقات اداره مهاجرت و تابعیت آمریکا در سال ۱۹۹۱ آشکار ساخت، شرکت مواد غذایی "تایسون"، قاچاقچیان انسان را با پرداخت مبلغی قابل توجه ای به ورود کارگران مکزیکی و گواتمالایی به آمریکا، تحریض و تحریک کرده است. بدینوسیله، بسیاری از شرکتها و کارخانجاتی که کارگرانش دارای اتحادیه بودند مجدداً بعلت صف آرای گرایش قدرتمند ضد کارگری صاحبان ابزار تولید و ثروت، محو گشتند. صنعت گوشت آمریکا بوسیله دیدبان حقوق بشر در سال

۲۰۰۵، از بابت ایجاد محیط کاری ناایمن و مخوف، نقض آزادی تشکل و حقوق صنفی کارگران، سلطه جویی و بهره کشی از نیروی کار غیرقانونی (کارگران غیرقانونی)، به لگدکوب کردن ابتدایی ترین حقوق انسانی کارگران، متهم گشت. امروزه، بیش از یک دهه از انتشار گزارش مزبور می گذرد. ولی، تغییر و تحول چشمگیری در سازوکار صنایع غذایی آمریکا صورت نپذیرفته است. کارخانجات و شرکتهای مواد غذایی آمریکا کماکان، محلی خطرناک، بدون تشکل صنفی و اتحادیه کارگری، صنعتی آلوده برای محیط زیست بشمار می آیند. کارفرمایان با بکارگیری شگرد و فنون ریاکارانه در استخدام، هراساندن و منقاد سازی، اخراج کارگران معترض، پنهان کاری و عدم رعایت استانداردهای حقوق انسانی و ابتدایی پرسنل کاری، تهدید به بستن یا انتقال شرکت و کارخانه به مکان دیگری، به تضييع و نبود کردن حقوق کارگران می پردازند و بر ضد همبستگی و پیوستگی کارگران، بسرعت و بسختی، اقدام می ورزند.

شرایط در صنعت ماهی، نرم تنان و حیوانات دریایی در جهان، ناگوارتر است. مصرف کنندگان می توانند بسته های یخ زده خرچنگ و میگو را به قیمتی نازلی از "وال مارت" خریداری کنند. "وال مارت" دقیقاً مانند پوشاک، با شرکتهایی که کارگران را برای پرداخت کمترین دستمزد تحت فشار قرار می دهند به این معنا که هر سنت را با استثمار نیروی کار به چنگ می آورند، قرارداد می بندد. کنسرسیوم حقوق کارگران با انتشار گزارشی در سال ۲۰۱۲، وال مارت را بدلیل امضاء قرارداد با شرکت مواد غذایی دریایی منفور "سی جی اس" که کارگر ارزان قیمت و موقت از مکزیك برای شعبه لونیزیانای وال مارت می آورد، شدیداً به صلابه کشید. "سی جی اس"

کارگران را به کار مشقت بار در شیفتهای شانزده تا بیست و چهار ساعته پشت درهای قفل شده وادار می‌کرد و در صورت کوچکترین شکایتی به اخراج از کشور، تهدید می‌گشتند. یکی از کارگران، "آنا رُزا دیاز"، که چهار فرزندش را برای یافتن کار در مکزیک رها و به آمریکا آمده بود به رغم نتایج خطرناک، با دفتر پیمان ملی کارگران مهمان تماس گرفت و تجاوز و تعدی وال مارت به حقوق کارگران را برملا ساخت. با این رسوا سازی، تحقیقات گسترده ای توسط وزارت کار ایالت متحده آمریکا، آغاز گردید. مدیر کنسرسیوم حقوق کارگران آمریکا در این رابطه اعلام کرد: "افراد را به کار کردن در شیفتهای شدیداً طولانی و سخت در ازای دریافت دستمزدی بسیار نازل، وادار ساخته اند که بیانگر بالاترین حد وقاحت کارفرمایان و نقض کامل قانون پرداخت حقوق و دستمزد به کارگران و مزدگیران، است. وسعت بیدادگری و ظلم و دست یازیدن به حقوق کارگران، فشار روحی- روانی و فیزیکی بی اندازه ای با اتکاء به قدرت و نفوذشان اعمال کرده اند که غیر قابل تصور و شرم آور است. کارگران را با تهدید خانواده و خویشاوندانشان به سکوت وادار ساخته اند. نتیجه واکاوی پیرامون وضعیت کارگران مجموعه غیر قابل تصور فراگیرنده آزار و اذیتهای غیرانسانی و ایجاد شرایط رعب و وحشت فراویمان گشوده است که محل کار مزبور را در میان بدترین محلهای کاری مورد واررسی قرار گرفته، چه در خارج یا داخل کشور، انگشت نما می‌سازد."

فشار تشکلهای حقوق کارگری و بشری و افشاء گریها سبب تعلیق قرارداد وال مارت با شرکت "سی جی اس" گشت. اما، وال مارت در رویکرد و شیوه

و روش با نیروی کارش تغییری ایجاد نکرد و هیچگونه مسئولیتی در قبال خلافتکاری و تولیداتش، پذیرا و متعهد نشد.

ایالت‌های نظیر "لونی‌یانا" سیاست‌هایی موسوم به "تجارت دوستانه" جهت جذب سرمایه‌گذاری شرکتها اجرا می‌کنند که سرمایه‌داران بتوانند بدون مزاحم به امضاء قرارداد با شرکت‌هایی بمانند "سی جی اس"، مبادرت ورزند. بسیاری شرکتها شبیه "وال مارت" نیز، خواستار پرهیز از کوچکترین تهدید و گریز از رعایت آیین‌نامه‌ها و ضوابطی که سبب افزایش قیمت خرید منابع اصلی و نیروی کار می‌گردد، می‌باشند. شرکت‌های تولید نرم‌تنان مثل حلزون طی دو دهه اخیر به خارج از کشور، منتقل شده‌اند. بیش از هشتاد درصد از میگوها و موجودات دریایی نرم‌تن در خلال دو دهه گذشته از کشورهای دیگر، نظیر بنگلادش، ویتنام و چین به آمریکا، وارد شده است. سال ۲۰۱۲، کارگران مهاجر کارخانه میگو تایلند در ناحیه "سانگخا" که میگوی شرکت وال مارت را تامین می‌کنند در اعتراض به محل زندگی بسیار آلوده و کاهش وعده غذایی که به گرسنگی ایشان می‌انجامید، اعتراض کردند. لازم به ذکر است که، کارگران کامبوجی و میانمار(برمه) قادر به خواندن زبان تایلندی نیستند و معمولاً فریب قاچاقچیان را می‌خورند. بدین ترتیب، بمدت طولانی مقروض و وامدار قاچاقچیان باقی می‌مانند و زندگی بسیار سختی را سپری می‌کنند. "وال مارت" در پی افشاء امضاء قرارداد با شرکت "سی جی اس"، نخست از وضعیت شکننده کارگران، ابراز بی‌اطلاعی نمود. سپس، دادوستد با شرکت مذکور را به رغم انبوه شواهد عینی، دلایل و حجت‌های مبسوط، کاملاً تکذیب نمود. ماموران دولتی تایلند در مسیر اعانت و همکاری با صاحبان سرمایه در حین یکی از گردهمایی‌ها، بسوی کارگران معترض تیراندازی

کردند و بطور وحشتناکی، حقوق بنیادین کارگران را در هراس از بسط اعتراضات، لگدمال ساختند. دولت جدید تایلند نیز که با کودتا سال ۲۰۱۴، قدرت گرفت در تحقیر و بهره‌کشی و فقیر کردن کارگران به مراتب بدتر از دولت پیشین است.

موقعیت و جایگاه کارگران صنعت ماهیگیری در قایقها، از این نیز هولناکتر است. آنان توسط دلالان و قاچاقچیان انسان از نواحی جنوب شرقی آسیا به صنعت ماهیگیری وارد می‌شوند و تا پرداخت کامل بدهی، بایستی به کار کمرشکن در وضعیت بحرانی و دشوار، ادامه دهند. بر پایه آمار مبتنی بر شواهد مستدل و محکم، پنجاه و نه درصد از کارگران ماهیگیر در تایلند، شاهد قتل همکاران خود بوده‌اند. بعنوان مثال، صاحب قایقی، جهت گریز از پرداخت دستمزد ماهیگیران، کلیه چهارده کارگر خود را به قتل رساند. در این اثناء، صادرات ماهی صنعت رو به رشد در اقتصاد تایلند بشمار می‌آید. امروزه، تایلند سومین کشور صادر کننده ماهی به جهان است. آمریکا بیش از ۲٫۵ میلیارد دلار مواد غذایی دریایی تنها در سال ۲۰۱۲، بیست درصد افزونتر از کشورهای دیگر"، از تایلند، خریداری کرده است.

فرایند تولید مواد غذایی که در راهروهای سوپرمارکتهای آمریکا خریداری می‌شوند از جنبه قیمت اصلی و کیفیت حتی از سبزیجات و گوشت نیز تیره و تارتر و مبهم تر است. شرکتهای آمریکایی نقش برجسته و شایدانه‌ای در اجرای مجموعه خط مشی جهانی فراگیرنده؛ "خردکردن و امحاء اتحادیه‌ها"، "استفاده از شرکتهای تولیدی برون مرزی" و "مقاطعه کاری در سازوکارهای تولید مواد غذایی دقیقا نظیر پوشاک و اسباب بازی"، بازی می‌کنند. کارگران در این بخش از صنایع غذایی نیز با مصائب مشابه کارگران

کشورهای دیگر، روبرویند. "کیلوگ"، شرکت صنایع غذایی آمریکایی و چند ملیتی تولید و توزیع غلات صبحانه و برگه ذرت و غذاهای گیاهی، در سال ۲۰۱۳، تمامی کارگران سیاه پوست خود را بمنظور خرد کردن اتحادیه های کارگری، اخراج کرد. چندی پیش، اکثریت شرکتهای تولید کننده مواد غذایی گیاهان گندمی شعبه "ممفیس- تنسی"، را به مکزیک، جایی که از کارگران می خواهند در کارخانه ها زندگی کنند، انتقال داد. سپس، با کرایه دفتر وکالت ورشکست شده ایی در اوهایو، به استخدام بزهکاران بجای کارگران اخراجی در ممفیس، اقدام کرد.

این سیاست راهبردی مارپیچی از زمره شگردهای شرکتهای آمریکایی جهت رقابت با دیگر شرکتها و دست یازیدن به حقوق کارگران و تاراندن و درهم شکستن اتحادیه های کارگری، می باشد. شرکت "کیلوگ" بتازگی تمامی کارخانجات و موسسه هایش شامل نیروی کار برخوردار از اتحادیه را، در کشورهای کانادا و استرالیا مسدود و به مناطق بدون اتحادیه، انتقال داد. یکی از قاضیهای دادگاه فدرال آمریکا در ماه ژوئن سال ۲۰۱۴، دستور لغو اخراج و استخدام کارگران سیاه پوست را به شرکت "کیلوگ" اعلام داشت. برخی از کارگران متعاقب رای دادگاه به سر کار خود بازگشتند. اما، دورنمای ماندگاری و عدم اخراج کارگران اعضای اتحادیه ها بسیار تیره و تاریک بنظر می رسد. زیرا، کارفرمایان هیچگونه الزامی یا تعهدی از این لحاظ، ندارند.

تغذیه بخش قابل توجه ای از فعالیت انسانها را دربرمی گیرد و تاثیرات مهمی بر سلامت و وضعیت روحی و روانی آنان، دارد. رشد سریع بازار مواد غذایی غیر از استثمار کارگران، از حیث سلامت بدن انسانها و بهداشت ایمنی محیط نیز نگران کننده است. گوشت مرغ و گوشت گاو شکارچیهای آزاد

معمولاً از منظر مصرف کنندگان بخاطر مزه، ایمنی و حفظ تندرستی و بهداشت بسیار مرغوب و بنابراین، گران قیمت هستند. زیرا، مصرف کنندگان میزان کارگرانی که در کارخانجات مجروح و بقتل می رسند را از یاد می برند.

جنبش کنونی، "پانزده دلار" بموازت اعتراضات در حوزه های گوناگون صنعت غذایی آمریکا، واکنش شدیدی بر ضد سازوکار حاکمیت شرکتهاست. صف آرایی همگانی در برابر شرکتها و کارخانجات هر منطقه به کمالیابی دموکراسی سامانه تولید غذا، یاری می رساند. اهتمام برای چیرگی سیاستی مبتنی بر کاهش بکارگیری موادی که کمتر موجبات آلودگی محیط زیست، هوا، رودخانه ها و اقیانوسها را فراهم سازد، سهم درخور نگرشی در پیکار جهانی برای ایجاد تغییرات بنیادین در صنعت مواد غذایی، دارد. اما، جنبش مواد غذایی بی گمان بایستی منتهای کمال و آرمان مطلوب و غایی، سوژه های اصلی و اساسی، واقعیت یابی "دموکراسی" و "عدالت اجتماعی" را در نظر داشته باشد. دموکراتیزه کردن صنایع غذایی بدون حمایت و دستگیری از کارگران مزارع و کارخانجات و دفاع از اتحادیه ها، پیکار برای ارتقاء حداقل دستمزد و سرمایه گذاری افزونتر برای ساماندهی کارزار کارگری، ممکن نیست.

در فرجام، تمامی مشکلات صنایع غذایی آمریکا و جهان ریشه در سامانه ای دارد که کلیت جامعه جهانی را بستوه آورده و تمامی جنبه های زندگی بشر را تحت پی آمدهای مخرب خود قرار داده است. حیوانات در سیستم غیردموکراتیک صنایع غذایی کنونی شکنجه می شوند، محیط زیست آلوده و ویران می گردد و کارگران بشکل فجیعی استثمار و حتی بقتل می رسند. منتها، بسیاری از شهروندان همچنان از وقوع چنین فجایعی، ناآگاه و غافلند.

انتخاب آگاهانه و عزم و اراده برای پی افکندن سیستم تولیدی مواد غذایی بر اساس فراست و مشارکت بی واسطه و عادلانه مصرف کنندگان گام بلندی بسوی بازگونی نظم حاکم و تغییر شیوه تولید سرمایه داری، است. عینیت یافتگی چنین عزم و اراده ایی هولناکترین کابوس صاحبان شرکتهای غذایی از "مونسانتو" تا "مکدونالد" را رقم می زند.

"اریک لومیس" استاد رشته تاریخ دانشگاه رود آیلند

ترجمه: آناهیتا اردوان

۲۵ آذر، ۱۳۹۴

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری